

## همگرایی و واگرایی ممالیک بحری و بری

(۶۴۸-۹۲۳ هـ. ق/۱۲۵۰-۱۵۱۷ م)

مریم شیپری<sup>۱</sup>

مرضیه فدوی<sup>۲</sup>

### چکیده

ممالیک سلسله‌ای از غلامان ترک نژاد بودند که با استفاده از توانمندی‌های سیاسی و نظامی توانستند حاکمیت بر دریا‌های سیاه و سرخ را در مدیترانه به دست بگیرند و به مدت دو قرن و نیم اقتدار سیاسی و اقتصادی خود را در شرق مدیترانه بعنوان حاکمان اسلامی جهان عرب موجودیت بخشند. از سوی دیگر دلیل این پایداری و گستردگی سیاسی آن‌ها؛ منوط به کارآمد بودن دیوان سالاری و ارکان برجسته‌ی سیاسی اقتصادی و ساختار فرهنگی آن‌ها می‌باشد که بر اساس همین ساختارها توانستند دوران طولانی حکومت بر مصر را رقم بزنند، همچنین از نظر دسته بندی‌های سیاسی؛ ممالیک به دو دسته‌ی ممالیک بحری و ممالیک بری تقسیم می‌شوند. از این رو می‌توان گفت بهره‌گیری از موقعیت سیاسی و اقتصادی ممالیک به لحاظ ارکان حکومتی و شرایط بالقوه‌ی تجاری و سیاسی در ایجاد و تداوم مرادوات سیاسی اقتصادی با همسایگان متفاوت بوده است؛ به گونه‌ای که هر یک از سلاطین مملوک بحری و بری در این زمینه کارکردهای متفاوتی از خود نشان دادند که این امر در تحکیم و یا اضمحلال اقتدار حکومتی‌شان تأثیرگذار بوده است. این پژوهش به دنبال یافتن این سؤال می‌باشد که میان ممالیک بحری و بری از لحاظ کارکردهای سیاسی و ارکان حکومتی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد و نقاط مثبت و منفی در همگرایی و واگرایی این دو سلسله‌ی حکومتی چه بوده است؟ از این رو این فرضیه مطرح می‌شود که شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختار سیاسی و حکومتی ممالیک بحری و بری زمینه‌ی لازم را برای ترقی و یا ایستایی ارکان حکومتی مصر فراهم نمود همچنین فراز و نشیب‌هایی که در این زمینه بوجود آمد موجب شد هر یک از این سلسله‌ها کارآیی متفاوتی از خود نشان دهند که در تداوم و یا اضمحلال حکومتی‌شان تأثیرگذار بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در زمینه همگرایی و واگرایی ممالیک بحری و بری از لحاظ ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تفاوت‌های آن‌ها بیشتر از شباهت‌هایشان می‌باشد و همین نکته به عنوان مهم‌ترین عامل سیاسی و ایدئولوژیکی در تثبیت - تداوم و فروپاشی اقتدار سیاسی و اقتصادی آن‌ها تأثیرگذار بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** ممالیک بحری، ممالیک بری، ساختار سیاسی، ساختار اقتصادی.

maryamsheipari@lihu.usb.ac.ir

marzieh044@gmail.com

<sup>۱</sup>. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

<sup>۲</sup>. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۷



## مقدمه

ممالیک وارثان ایوبیان در مصر و شام بودند؛ ایوبیان مانند بیشتر سلسله‌های اسلامی معاصر خود برای پشتیبانی و حفاظت خویش لازم دیدند که عده‌ایی از غلامان را به خدمت خود درآورند؛ و ممالیک از میان محافظان ترک الملک الصالح نجم الدین ایوب برخاستند. در طی دو قرن و نیم حکومت مستقل مملوکان؛ دو سلسله از سلاطین که تا حدودی به طور ساختگی از یکدیگر متمایز شده بودند به فرمانروایی نشستند. یکی سلاطین مملوک بحری که به دلیل آن که اردوگاه این محافظان در اصل در جزیره‌ی روضه‌ی نیل بود؛ به این نام خوانده می‌شدند و دیگری سلاطین مملوک بری یا برجی که به مناسبت آن که سلطان قلاوون محافظان خود را در برج‌های قاهره جای داده بود؛ چنین نامیده شدند.

حکومت ممالیک بحری در دوره‌هایی از رقابت‌ها و ضدیت‌های سیاسی اقتصادی با همسایگان خارجی بوجود آمده بود و دوره‌های مختلفی از ناامنی را به موجب تهاجمات خارجی مغولان و صلیبیان تحمل کرده بود؛ اما با این وجود توانسته بود حاکمیت سیاسی اقتصادی خود را در شرق و غرب دریای مدیترانه حفظ نماید؛ از سوی دیگر هرچند در زمان ممالیک بری ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو، ذوالقدرها و فرانک‌ها هم حملاتی به مصر داشته‌اند؛ اما همه‌ی جهان به ممالیک بحری مرهون است که سوریه، فلسطین، مصر و مدیترانه را از ویرانی و غارت هولناک مغولان حفظ کردند، بطوریکه تمدن غرب در اثنای امپراتوری ایشان تکامل و توسعه یافت. ممالیک از توان و قدرت نظامی خود برای حمله و هجوم به همسایه‌های خود استفاده نکردند؛ بعد از نابودی ایلخانان مغول؛ ممالیک قدرتمندترین امپراتور نظامی خاورمیانه بودند. روش آنان در برخورد با مصریان و هر دو کشور مصر و سوریه که ثروتمند و تجاری بودند؛ دوستانه بود و روابط تجاری توسعه‌یافته‌ایی با تمام مناطق جهان داشتند.

پس از گذشت بیش از ۱۳۶ سال از دوران با شکوه حکمرانی ممالیک بحری؛ سرانجام با ضعف و اضمحلال قدرت سیاسی سلاطین بحری در سال (۷۸۴ هـ.ق/ ۱۳۸۲ م) دولت نخست ممالیک از میان رفت و دوره‌ی دوم سلطنت با روی کار آمدن ممالیک بری یا برجی در سال (۷۸۴-۹۲۳ هـ.ق / ۱۳۸۲-۱۵۱۷ م) آغاز شد که همزمان با آن‌ها حکومت تیموریان؛ عثمانی‌ها، ترکمانان آق قویونلو، صفویان و پرتغالی‌ها نیز به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی روی کارآمدند، که این امر در مقایسه با موقعیت سیاسی ممالیک بحری قابل مقایسه نیست زیرا در زمان ممالیک بحری ریشه‌های اصلی دشمنان خارجی به کلی از بین رفته بود و دوران آرامش سیاسی بر مصر و جهان اسلام دوباره احیا شده و روابط و مناسبات تجاری پایه‌گذاری شده بود، حال آنکه در دوران ممالیک بری نیز هر



چند دوره‌ای از صلح و آرامش در مصر برقرار بود و ثروت هنگفتی به خزانه‌ی حکومتی وارد می‌شد اما در دورانی که تیمور لنگ روی کار آمده بود دوره‌ای از پریشانی بر مصر حکم فرما شد و به مثابه‌ی زنگ خطری بود که آنان را در مقابله با دشمن قدرتمندی همچون عثمانیان قرارداد و حملات دزدان دریایی اروپایی به کرانه‌ی سوریه و بندر اسکندریه و فتح قبرس در سال (۸۲۸-۸۳۰ هـ.ق) در زمان برسبای اتفاق افتاد و باعث شد که بتدریج ممالیک بری موقعیت اقتصادی و به مثابه‌ی آن قدرت سیاسی خود را از دست بدهند.

از سوی دیگر می‌توان گفت؛ ساختار حکومتی ممالیک بحری به گون‌هایی بود که هر یک از سلاطینی که روی کار می‌آمدند تأثیر فراوانی بر روند سیاسی و اقتصادی مصر بر جای می‌گذاشتند؛ در حالی که در دوران ممالیک بری به دلیل کارکردهای متفاوت و بالفعل سلاطین؛ اوضاع سیاسی و روابط خارجی دربار دوره‌هایی از رشد و پریشانی را سپری کردند که همین امر در کاهش و یا افزایش کارایی فرامین سلاطین ضعیف و قدرتمند و نحوه‌ی فرمانروایی آن‌ها تأثیر گذار بوده است و باعث بوجود آمدن رخنه و شکاف سیاسی اقتصادی در ساختار حکومتی ممالیک بری گردید. در ارتباط با حکومت ممالیک بحری و بری تحقیقات متفاوتی در زمینه‌ی ساختار سیاسی و فرهنگی و روابط خارجی و همچنین مرادفات تجاری این سلسله‌ها صورت گرفته است؛ اما تاکنون درباره‌ی واگرایی و همگرایی ممالیک بحری و بری و مقایسه‌ی ارکان سیاسی اقتصادی و فرهنگی این دو حکومت تحقیق مجزایی صورت نپذیرفته است؛ از این رو پژوهش مذکور با ارائه مطالبی جامع به دنبال جبران کاستی‌های ناشی از این فقدان می‌باشد.

#### بررسی ساختار سیاسی و حکومتی ممالیک بحری و بری

با نگاهی به ابتدای تشکیل حکومت ممالیک مصر می‌توان گفت؛ تشکیلات سیاسی و اداری ممالیک به گونه‌ای بود که در رأس آن‌ها سلطان و امیران قرار داشتند و از تعدادی دیوان هم تشکیل شده بود؛ از سوی دیگر ساختار قضایی آن‌ها نیز بر اساس مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت تنظیم شده بود. راه دریایی ادویه نیز نقش مهمی در ارتباط با روابط تجاری و مناسبات اقتصادی مصر و اروپا ایفا می‌نمود، و تشکیلات لشکری نیز به ترتیب سپاه، نیروی دریایی و سواره نظام شکل گرفته بود.

از این رو در ارتباط با اصول و روش‌های پادشاهی ممالیک بحری و بری می‌توان گفت که به دلیل وجود تهدیدات دائمی که حکومت را به خطر می‌انداخت باعث شد تا ممالیک بحری شیوه‌ی به قدرت رسیدنشان را برحسب ضرورت و جلوگیری از بروز اختلافات داخلی و سرکوب توطئه‌های خارجی تغییر دهند و به سوی تغییر تدریجی



پیش بروند و آن نحوه‌ی جانشینی بود که بر اساس الگوی حکومتی ایوبیان بود (بروکلمان، ۱۳۴۶:۳۳۴)، بطوریکه بعد از آیبک پسرش علی مدتی جانشین او شد و پس از بیبرس پسرش برکه خان و یک سال بعد از او برادرش سُلامش به قدرت رسیدند اما فرمانروایی واقعی فردی نیرومند به نام قلاوون بود؛ او به طورکلی سیاست بیبرس را دنبال نمود؛ از این رو برای مقابله با مغولان درصدد ایجاد اتحاد با امپراتوری روم شرقی و هم با امپراتوری مقدس روم پرداخت و با مبادله‌ی سفرا زمینه برای انجام روابط تجاری میان آن‌ها برقرار شد (ابن شاهین، ۱۸۹۴:۳۶۲ و رمزی، و ۱۹۰۸:۴۷۰ و مرتضوی، ۱۳۵۸:۲۴۱). در واقع قلاوون سلسله‌ایی تأسیس کرد که با وجود دوره‌های فترت؛ حدود یک قرن بر سرکار بود و اساس جانشینی همیشه از پدر به پسر نبود، بلکه در اکثر موارد بر اساس ارتباط نزدیک میان خواجه و برده بود و آخرین سلطان این سلسله حاجی بود که از اخلاف مستقیم قلاوون و نسل پنجم او بشمار می‌آمد. از معروف‌ترین افراد این سلسله ملک ناصر محمد بود؛ پس از ناصر بن محمد بن قلاوون؛ رشته‌ای از اخلاف او به سلطنت رسیدند که بیشترشان بی‌کفایت و سست بودند و سرانجام آخرین آن‌ها یعنی حاجی توسط سلطان برقوق برکنار شد و با این کار سلسله‌ی ممالیک بحری در سال (۷۸۴ هـ/۱۳۸۲ م) به پایان رسید و دوره‌ی دوم سلطنت ممالیک آغاز شد (صفدی، ۱۹۹۸:۴۲۱).

تعداد امیران بری ۲۳ نفر بودند؛ آن‌ها به اصل وراثت اعتقادی نداشتند و معمولاً از منسوبان خود طرفداری نمی‌کردند و کسب قدرت بر اساس اقتدار قوی‌ترین فرد حکومت بود؛ بسیاری از شاهان آن‌ها جوان بودند و معمولاً توسط مخالفانشان به قتل می‌رسیدند و دوره‌ی حکومتی‌شان بیش از ۶ سال نبود، بعد از سلطان فرج یک دوره فترت شش ماهه به وجود آمد (ابن واصل، ۱۹۵۳:۲۴۵) که در آن المستعین خلیفه‌ی عباسی به عنوان یک جانشین موقت روی کار آمد و با به قدرت رسیدن شیخ المؤید آرامش دوباره بر مصر حکم فرما شد؛ به طوریکه بر قسمتی از آناتولی مستولی شدند، هرچند هزینه‌ی جنگ‌ها موجب بالا رفتن قیمت‌ها شد و اقتصاد مصر را دچار بی‌نظمی کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۷:۳۲۱) و این امر موجب ایجاد رشوه‌خواری و احتکار در مناصب دولتی و محصولات غذایی گردید. اما بحران واقعی پس از سیف الدین برقوق در زمان جانشین او یعنی پسرش فرج در سال (۸۰۱ هـ/۱۳۹۹ م) به وجود آمد بطوریکه از یک سو امیران سوریه علیه او شورش کردند و از سوی دیگر اتحاد با عثمانیان نیز موجب از دست دادن برخی از شهرهای مصر شد و پس از بازگشت سپاهیان تیمور خسارات شدیدی بر مصر وارد آمد (ناصری طاهری، ۱۳۷۵:۱۹۸)، بطوریکه قحطی سال (۸۰۶ هـ/۱۴۰۳ م) به گفته‌ی ابن تغری بردی: «این سال نخستین سال از سال‌های محنت و بدبختی و آشوبی بود که بیشتر سرزمین‌های مصر و ایالات آن را ویران کرد و



سبب آن پایین افتادن سطح نیل و اختلاف و نزاع و تغییر فرمانداران ایالات و علت‌های دیگر بود» (قلقشندی، ۱۹۱۹: ۴۲۱).

در دوران ممالیک بحری از آنجایی که حاکمیت موروثی و بر اساس قدرت قوی‌ترین فرد بود و دخالت زنان در حکومت داری امری مشهود بوده است؛ از این رو توطئه چینی علیه یکدیگر زیاد به چشم می‌خورد؛ مانند دوران آیبک و ملک منصور علی بن آیبک و دوران سیف الدین قلاوون (ابن اجاه، ۱۹۸۶: ۲۴۵)؛ در حالی که در دوران ممالیک بری از اصل وراثت دوری می‌کردند و معمولاً از منسوبان خود طرفداری نمی‌کردند و قدرت‌گیری بر اساس اقتدار قوی‌ترین فرد حکومت بود؛ بسیاری از شاهان آن‌ها جوان بودند و معمولاً توسط مخالفانشان به قتل می‌رسیدند و دوره‌ی حکومتی‌شان بیش از شش سال نبود بطوریکه پس از سلطان برقوق پسرش فرج آخرین جانشین موروثی به قدرت رسید و پس از آن سلطنت نصیب نیرومندترین امیران شد بطوریکه پس از مرگ هر سلطانی پسرش به صورت ظاهری و اسمی جانشین او می‌شد. فایده‌ی این نظام آن بود که نیرومندترین افراد به قدرت می‌رسیدند اما موجب ایجاد دشمنی و اختلاف میان ممالیک بری می‌شد (ابن العبری، ۱۳۶۴: ۲۷۸ و باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۲۵۶).

از سوی دیگر در نظام ممالیک برجی اطاعت و فرمان‌برداری از خاندان سلطنتی خود به خود از یک فرمانروا به فرمانروای دیگر منتقل نمی‌شد و هر یک از سلاطین پایه‌های قدرتش را بر مجموع‌هایی از ممالیک وابسته به خود قرار می‌داد که با به قدرت رسیدن او؛ موقعیت سیاسی ممالیک و موقعیت طرفدارانش توسط او تقویت و تثبیت می‌شد و زمانی که نوبت سلطان دیگر می‌شد نفر قبلی برکنار می‌شد و به سختی در معرض فشار مملوک‌های شخصی این سلطان جدید قرار می‌گرفت از این رو کشمکش و دسیسه‌سازی دائم میان گروه‌های رقیب از جمله ممالیک شاهی و بازماندگان ممالیک قبلی به وجود می‌آمد (قلقشندی، ۱۹۸۹: ۶۱۰ و ابن تغری بردی، ۱۹۶۳: ۲۳۵).

همچنین وضعیت داخلی ممالیک با توجه به بحرانی بودن اوضاع سیاسی ناپایدار شده بود، از سوی دیگر با وجود یک سیستم آزاد و مساوی برای همه ممالیک در خصوص انتخاب و گزینش سلطان، ما شاهد ۶۰ سال حکومت با کفایت و برجسته و ۳۱ سال ناامنی و اغتشاش حاصل هستیم، بطوریکه در اواخر دولت نخست ممالیک بحری فساد به ساختار سیاسی، اداری و نظامی راه پیدا کرد و نهایتاً موجب سقوط آن‌ها شد (باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۲۴).



در دوران حکومتی ممالیک بری نیز؛ غفلت و بی‌مبالاتی در امتیازهای گذشته، انقلاب‌ها و شورش‌های دوران نوجوانی ممالیک بعد از برسبای، رشد و توسعه‌ی نفوذ زنان، افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش ارزش پول، افزایش مداوم مالیات‌ها موجب تزلزل سیاسی ممالیک گردید (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۳۸: ۳۵۶ و گابریل، ۱۳۸۱: ۳۲۲)، چنانچه با اصلاح روش‌ها، گسترش آموزش و فرهنگ، توجه و احترام به دانش، عدم تمایل به جنگ و خونریزی می‌توانست از فروپاشی قدرت جلوگیری کند و این یکی از وجوه تشابه ممالیک بحری و بری در زمینه‌ی علل ضعف و فروپاشی حکومت آن‌ها می‌باشد.

### بررسی نقش سیاسی زنان در دوران ممالیک بحری و بری

وضعیت زنان دربار به گون‌هایی بود که در زمان ممالیک بحری به دلیل حاکمیت موروثی؛ در امر حکومت داری دخالت می‌کردند و در اکثر موارد با دسیسه چینی علیه سلاطین دیگر باعث براندازی سلطانی می‌شدند (مقریزی، ۱۹۳۹: ۳۵۲) و با روی کار آوردن افراد دست‌نشانده‌ی خود قدرت را یا بصورت واقعی به دست می‌گرفتند و بر تخت حکومت می‌نشستند مانند زمان شجرالدین اولین سلطان ممالیک بحری که همواره بعنوان دومین زن مسلمانی بود که عملاً حاکمیت سیاسی ممالیک را به دست گرفت و با اجرای سیاست‌های مناسب حکومتی قدرت را به مدت سه ماه در دست داشت و در طول دوران حکومتش توانست فرانسویان را شکست دهد و قلعه‌ی دمیاط را از صلیبیان باز پس بگیرد (شبارو، ۱۳۸۰: ۲۳ و انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۵۳۲ و ابن‌الوردی، ۱۹۷۰: ۳۵۴)، از سوی دیگر در زمان روی کار آمدن عزالدین آیبک نیز شجرالدین با او در حکومت شریک شد و یک ازدواج سیاسی جهت مشروعیت بخشیدن به حکومتش انجام داد (باگت‌گلاب، ۱۳۸۶: ۲۴۵)، از سوی دیگر همزمان با روی کار آمدن زنان یا بصورت تظاهری قدرت در دست سلطان جدید بود و در خفی زنان دربار فرامین و دستورات سیاسی را اجرا می‌کردند مانند آنچه در دوران ملک منصور علی بن آیبک بوجود آمد و حاکمیت سیاسی و قدرت در دست مادرش بود (شبارو، ۱۳۸۰: ۳۶).

در دوران ممالیک بری نیز حضور زنان در دربار و مسائل سیاسی امری واضح بوده است بطوریکه سیف‌الدین برقوق اولین سلطان ممالیک بری در اجرای سیاست‌هایش و اداره‌ی امور همسرش را در امر حکومت داری شریک کرد و با مشورت او؛ فرامین و دستوراتش را اجرا می‌کرد. و از زنی محترمه به نام البغدانیه در امور سیاسی بهره می‌گرفت (قلقشندی، ۱۹۱۹: ۵۲۳). از این رو می‌توان گفت که با زیاد شدن دخالت زنان زمینه برای عزل و نسب‌های سریع میان رقیبان زیاد می‌شد، هرچند که در برخی موارد به خوبی می‌توانستند از عهده‌ی اداره‌ی امور برآیند اما



همواره از جانب مخالفانشان سرکوب می‌شدند: مانند آنچه در زمان حکمرانی شجرالدر از سوی مخالفانش انجام شد و با تأیید دستور و مخالفت خلیفه‌ی عباسی برکنار شد (مقریزی، ۱۲۷۰: ۲۴۵)؛ از این رو دخالت زنان در امر حکومت در دوران ممالیک بحری و بری یکی از وجوه تشابه میان آن‌ها می‌باشد.

### مقایسه‌ی ساختار سیاسی و حکومتی ممالیک بحری و بری

سرانجام و پایان کار ممالیک بحری تأیید کننده‌ی این مطلب است که اعدام و قتل آن‌ها به دست یکدیگر؛ نشانگر بی‌ثباتی و ناامنی بوده است زیرا به دلیل واردکردن بیش از اندازه‌ی چراکسه در دربار زمینه‌ی قدرت‌گیری آنان را فراهم کردند و این خود زمینه‌ساز سقوط ممالیک بحری توسط همین نیروهای تازه وارد شد، به گونه‌هایی که در اواخر دولت نخست ممالیک فساد به ساختار سیاسی، اداری و نظامی راه پیدا کرد زیرا برای تحقق اهداف برخی از امیران دیوان‌های تازه‌ای به وجود آمد از جمله دیوان خاص دوران ناصر محمد و دیوان املاک و المفردات دوران ظاهر برقوق، همچنین دیوان تنازل و البدل؛ که این دیوان‌ها در دوران ممالیک چرکسی ادامه یافت و یکی از دلایل سقوط آنان شد (انصاری دمشقی، ۱۳۵۷: ۳۶۵ و قلقشندی، ۱۹۱۹: ۳۶۵ و ابن‌الظاهر، ۱۹۷۶: ۳۴۵).

در واقع غفلت و بی‌مبالاتی در امتیازهای گذشته، انقلاب‌ها و شورش‌های دوران نوجوانی ممالیک بری بعد از برسبای، رشد و توسعه‌ی نفوذ زنان، افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش ارزش پول، افزایش مداوم مالیات‌ها موجب تزلزل سیاسی ممالیک گردید (ابن کثیر، ۱۹۸۷: ۳۵۴)؛ چنانچه با اصلاح روش‌ها، گسترش آموزش و فرهنگ، توجه و احترام به دانش، عدم تمایل به جنگ و خونریزی می‌توانست از فروپاشی قدرت جلوگیری کند. بطوریکه در زمان ممالیک بری علاوه بر فساد حکومتی و بحران‌های اقتصادی که همزمان با پایان یافتن حکومت ممالیک بری بود؛ سلاطین مملوک به اعمال قدرت استبدادی در حوزه‌ی سیاسی می‌پرداختند (ابن شاهین، ۱۸۹۴: ۱۴۵)؛ امیران و سلاطین بزرگ سیاست احتکار کالاهای شرقی و به دنبال آن سیاست مصادره‌ی اموال اعیان و مردم را در پیش گرفتند، آنان کلاهبرداری را آغاز کردند و برای کسب مال و ثروت عوارض و مالیات‌هایی بستند که منجر به فشار بر بازرگانان در داخل شهرها و انعکاس آن بر مصرف‌کنندگان نمایان شد و همزمان تجار خارجی نیز در بنادر مصر و حجاز گرفتار سیاست فشار شدند (رمزی، ۱۹۰۸: ۲۴۵ و اشپولر، ۱۳۷۴: ۳۲۱ و امامی خوفی، ۱۳۸۵: ۲۱۴).



### مقایسه‌ی پادشاهان ممالیک بحری و بری

در مقایسه‌ی تطبیقی میان ممالیک بحری و بری از نظر بررسی موقعیت سیاسی سلاطین قدرتمند و ضعیف می‌توان به بررسی فعالیت‌ها و اقدامات برخی از آن‌ها اشاره نمود: از این رو می‌توان گفت که در دوران ممالیک بحری از بین پانزده سلطان اولیه که به مدت نود و یک سال سلطنت کردند تنها شصت سال توسط سه سلطان مقتدر سپری شد؛ بیبرس البندقداری هفده سال قدرت را در دست داشت، بعد از او منصور قلاوون یازده سال و سپس ملک الناصر (دوره سوم سلطنت) سی و دو سال به عنوان پادشاهان قدرتمند سیاسی؛ همواره موجودیت ممالیک بحری را در بین همسایگان داخلی و خارجی حفظ کردند، پس از آن‌ها سی و یک سال باقی مانده نیز توسط ده نفر از سلاطین موقتی سپری شد که برخی از ایشان خردسال و برخی دیگر سربازانی بیش نبودند؛ کسانی که استعدادهايشان نسبت به تکلیف و وظیفه‌شان نابرابر بود؛ بنابراین در خلال این دوره با وجود یک سیستم آزاد و مساوی برای همه ممالیک در خصوص انتخاب و گزینش سلطان؛ ما شاهد شصت سال حکومت باکفایت و برجسته و سی و یک سال ناامنی و اغتشاش حاصل هستیم (ابن الوردی، ۱۹۷۰: ۲۴۱ و باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۶۵)، از جمله عواملی که باعث ایجاد این هرج و مرج‌ها در طی این سالیان شده بود عبارت‌اند از: عدم سن بلوغ پسران الناصر؛ تنها راه‌حل مناسب در این شرایط بحرانی وجود یک نایب‌السلطنه خردمند و ثابت‌قدم بود اما هر امیری که به قدرت می‌رسید؛ اداره امور را به دست می‌گرفت و علیه امرای دیگر توطئه‌چینی می‌کرد، از سوی دیگر عدم وجود روش و سبکی موردتوافق برای حکومت سلاطین خردسال و عدم توجه و تأمل جانشینان به سلطنت موجب ضعف و اضمحلال ممالیک بحری گردید (بروکلمان، ۱۳۶۴: ۳۲۱ و باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

در رابطه با سلاطین قدرتمند و ضعیف ممالیک بری می‌توان گفت که؛ تعداد امیران بری ۲۴ نفر بودند که به مدت صد و سی نه سال حکومت کردند که چهل و هشت سال آن توسط سه تن از قدرتمندترین سلاطین سپری شد بطوریکه هفده سال اول توسط سلطان برقوق پایه‌گذاری شد و شانزده سال نیز اشرف برسبای حاکمیت سیاسی و اقتصادی ممالیک بری را نسبت به همسایگان دیگر تداوم بخشید، همچنین پانزده سال دیگر نیز توسط غانصورهی غوری سپری شد (قلقشندی، ۱۹۱۳: ۳۶۵)، و آن‌ها توانستند با اجرای سیاست‌های مناسب خود ادامه دهنده‌ی راه ممالیک بحری باشند و توسعه‌دهنده‌ی رشد و شکوفایی مصر در ارتباط با دول دیگر، از سوی دیگر از صد و نه سال باقیمانده نیز بیست و هشت سال آن توسط ملک اشرف قایتبای ظاهری سپری شد که یکی از طولانی‌ترین ادوار حکومتی ممالیک بری می‌باشد و پنج سال نیز توسط ملک ظاهر جقماق علائی گذشت که این دو نفر جزو





سلاطین نسبتاً قدرتمندی بودند که با وجود تبادل سفرا و انجام مناسبات تجاری و نبرد با دشمنان خارجی گذشته از رونق و شکوفایی اقتصادی مصر؛ در دوران آنها هرج و مرج و نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی شدت گرفت (ناصری طاهری، ۱۳۷۵: ۱۹۸) و زمینه ساز بروز ضعف در میان سلاطین بعدی گردید و هفتاد و یک سال دیگر نیز توسط هجده نفر دیگر سپری شد که تعدادی از آنها حاکمانی خردسال بودند و بقیه نیز با عزل و نسب‌های سریع روی کار می‌آمدند که به دلیل ضعف سازمان اداری و ناتوانی در اداره‌ی امور موجب تزلزل ساختار سیاسی و افول تجارت اقتصادی ممالیک بری گردید (ابن تغری بردی، ۱۹۷۸: ۶۵۴ و حتی، ۱۳۸۲: ۳۵۴ و رانسیمان، ۱۳۸۶: ۳۶۵).

در مقایسه‌ی میان سلاطین قدرتمند از جمله حاکمان قدرتمند ممالیک بحری بیبرس بندقداری، منصور قلاوون و ملک ناصر محمد جزو سلاطین قدرتمند و باکفایتی بودند که برجسته‌ترین کارها را جهت توسعه‌ی روابط تجاری و مناسبات اقتصادی با همسایگان برقرار کردند و مصر را از لحاظ ساختار سیاسی و استحکامات نظامی در برابر دشمنان محافظت نمودند، از این رو در دوران سلطان بیبرس و منصور قلاوون روابط با اروپاییان برقرار شد و موقعیت اقتصادی مصر شکوفا گردید و در دوران ملک ناصر نیز که از طولانی‌ترین ادوار حکومتی ممالیک بحری بشمار می‌رود این مناسبات دوچندان شد و سفرای خارجی همواره به مصر می‌آمدند به گونه‌هایی که دوران او یکی از طلایی‌ترین ادوار حکومتی مصر بشمار می‌رود.

در زمان ممالیک بری نیز افرادی همچون؛ سیف‌الدین برقوق، اشرف برسبای و قانصوره غوری از قدرتمندترین سلاطین بری بشمار می‌رفتند، آنان نیز به مانند سلاطین قدرتمند ممالیک بحری کارهای عام‌المنفعه و مناسبات سیاسی و تجاری با اروپاییان انجام دادند بطوریکه در زمان سیف‌الدین برقوق و اشرف برسبای تبادل سفرا با تیموریان و سایر کشورهای اروپایی انجام شد هرچند نبردهایی با تیمور لنگ داشتند و در زمان اشرف برسبای یکی از بزرگ‌ترین پیروزمندی‌های ممالیک بری فتح قبرس بود و خطرناک‌ترین اتفاقی که برای مصریان افتاد ایجاد هرج و مرج و نابسامانی‌های ناشی از بی‌نظمی ممالیک سلطنتی بود که در واقع از این دوران به بعد سستی بر ساختار سیاسی ممالیک بری رسوخ یافت از سوی دیگر در این دوران مصر در رونق اقتصادی و صلح و امنیت قرار داشت، همچنین در زمان غانصوره ی غوری نیز گذشته از روابط تجاری، ظهور شاه اسماعیل صفوی و حمله‌ی پرتغالی‌ها به دریای سرخ و تجهیز ارتش برای مقابله با عثمانی‌ها از مهم‌ترین مسائل دوران ممالیک بری می‌باشد (مقریزی، ۱۹۴۲: ۳۴۵ و لمبتون، ۱۳۷۸: ۱۶۴ و ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۵۴).



دوران حکومتی ملک اشرف قایتبای ظاهری به مانند دوران ملک ناصر محمد سلطان ممالیک بحری؛ یکی از دوران‌ها طولانی حکومتی ممالیک بری می‌باشد، از سوی دیگر به دلیل سخت‌گیری‌های مالیاتی بر تجار و پناهندگی جم عثمانی به مصر و سیاست احتکار و درگیر شدن در جنگ‌های تدافعی با عثمانیان یکی از عوامل بروز ضعف در ساختار سیاسی ممالیک بری می‌باشد (ابن شاهین، ۱۸۹۴: ۴۲۱ و لوسکایا، ۱۳۴۹: ۲۴۵ و لوسیسی، ۱۳۸۹: ۳۶۵) و این امر یکی از تفاوت‌های اساسی در مقایسه‌ی با ممالیک بحری هست، اگرچه در نحوه‌ی روابط و مناسبات تجاری و نحوه‌ی نظارت بر موقعیت سیاسی مصر اقدامات سلاطین بحری و بری مثل هم بود. در مقایسه‌ی میان سلاطین ضعیف در دوران ممالیک بحری می‌توان گفت که از دوران سعید ناصر بن محمد بن بیبرس ششمین سلطان بحری هرج و مرج نظامی و اقتصادی موجب بروز شورش نظامیان شد بطوریکه در سال بعد نیز در زمان ملک عادل سلامیش به دلیل عزل زود هنگام سلطان؛ زمینه ساز تزلزل سیاسی حکومت شد حتی در دوران ملک عادل زین الدین کتبوغا به دلیل آزار و اذیت چرکسی‌ها و بروز خشکسالی اوضاع اجتماعی و اقتصادی نامطلوب شد و مردم از حکومت جانبداری نمی‌کردند (ابن بطوطه، ۱۳۵۴: ۴۲۱ و لومبارد، ۱۹۷۷: ۳۲۱ و عینی، ۱۴۰۷: ۲۵۴) و این روند در دوران مظفر رکن الدین بیبرس جاشنگیر و ملک منصور ابوبکر نیز ادامه داشت زیرا کاهش آب نیل سالیان دراز تزلزل اقتصادی را بوجود آورد و موجب نارضایتی عمومی شد (مقریزی، ۱۳۹۳: ۳۲۱ و ناصری طاهری، ۱۳۷۵: ۳۷۱)، و از دوران ملک اشرف کوچک و ملک ناصر احمد و ملک صالح اسماعیل تا روی کار آمدن آخرین سلطان یعنی صالح حاجی از یک سو در سنین کم به قدرت می‌رسیدند و از سوی دیگر با عزل و نسب‌های زود هنگام سازمان اداری بر هم خورد زیرا از دوران ملک ناصر حسن نیز به دلیل ضعف سیاسی و بی ارزش شدن پول رایج کشور و شروع حملات کشتی‌های فرانک‌ها در دریای مدیترانه و دوران صلاح الدین حاجی نیز حملات دریایی ناوگان قبرس به اسکندریه باعث ایجاد اضمحلال سیاسی و اقتصادی ممالیک بحری شد (کندی، ۱۳۳۵: ۳۵۲ و متز، ۱۳۷۸: ۲۴۱).

در زمان ممالیک بری نیز سلاطین ضعیفی روی کار آمدند از جمله در زمان جانشین سلطان برقوق یعنی پسرش ناصر فرج به دلیل حملات تیموریان به بغداد و اشغال بیروت توسط جنوایی‌ها مصر به مدت چهار سال درگیر جنگ‌های خونین بود (قلقشندی، ۱۹۱۹: ۳۲۱)، و این اولین بحران سیاسی مصر بود؛ بطوریکه در زمان عبدالعزیز بن برقوق نیز به دلیل رکود تجارت و تقسیم سوریه میان رقبا تزلزل سیاسی بوجود آمد، همچنین در دوران خلیفه المستعین عباسی و مؤید النصر شیخ المحمودی و مظفر احمد بن شیخ و محمد بن طُطر تا زمان روی کار آمدن



ملک عادل تومان بای و ملک اشرف تومان بای دوم به دلیل ضعف سلاطین و خالی شدن خزانه‌ی سلطنتی و عزل و نسب‌های زود هنگام و سیاست‌های نامتناسب سلاطین موجب اضمحلال حکومت گردید (سبکی، ۱۹۸۴: ۲۳۵ و نویری، ۱۹۸۴: ۴۲۱ و باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۶۵)، هر چند در اکثر موارد سلاطین با سنین بالای پنجاه سال روی کار می‌آمدند اما به دلیل عدم توانایی سیاسی در اداره‌ی حکومت و نداشتن صاحب منصبان کاردان در اجرای فرامین حکومتی در برابر دشمنان خارجی شکست خوردند؛ و این موضوع یکی از شباهت‌های ممالیک بحری و بری در زمینه ضعف سیاسی سلاطین و یکی از علل فروپاشی حکومتشان می‌باشد.

### بررسی اوضاع اقتصادی و مناسبات تجاری ممالیک بحری و بری

از لحاظ ساختار تجاری و اقتصادی می‌توان گفت که با توجه به استقرار حکومت ممالیک در مسیر راه‌های دریایی و نزدیکی به هند و راه‌های تجاری دریای سرخ و دریای مدیترانه که نقش مهمی در رونق اقتصادی مصر داشت سبب شد که کاروان‌های تجاری پس از بارگیری از شرق دور به اقیانوس هند و سپس از دریای سرخ به مدیترانه رفته و در اروپا بارهای خود را تخلیه کنند (بارتولد، ۱۹۸۴: ۳۲۴)، و بدون شک در این امر ممالیک نقش پررنگی داشتند، بر این مسئله باید نیاز شدید اروپا به تولیدات هند و کالاهایی مانند ادویه، عطریات و بخور را در نظر گرفت که دول اروپایی برای تأمین مایحتاج اولیه‌ی خود و عبور مسالمت‌آمیز کاروان‌های تجاری از دریای سرخ؛ با بیبرس قرارداد تجاری منعقد می‌کردند (لسترنج، ۱۳۷۳: ۴۵۲ و ساندرین، ۱۳۸۴: ۲۱۳ و امامی خوبی، ۱۳۸۵: ۲۳۱)، از این رو می‌توان به قراردادهای تجاری که توسط امیران مملوکی از جمله؛ بیبرس، منصور قلاوون، اشرف شعبان و بر سبای صورت گرفته بود اشاره نمود.

### مقایسه‌ی ساختار اقتصادی ممالیک بحری و بری

در مقایسه‌ی تطبیقی اوضاع اقتصادی ممالیک بحری و بری می‌توان گفت که در دوران ممالیک بحری اولین بار سلطان بیبرس بندقداری به برقراری روابط تجاری با اروپاییان و توسعه‌ی مسیرهای ارتباطی و گسترش مناسبات اقتصادی با اردوی زرین و دولت شهرهای ونیز و جنوا و بیزانس پرداخت، در واقع بیبرس با تداوم بخشیدن به پیمان‌ها و قراردادهای تجاری و با ایجاد اتحادیه‌های چندگانه با دول دیگر مصر؛ دولت ممالیک را بسوی اهداف بلند مدتی سوق داد (سبکی، ۱۹۸۴: ۲۵۶)، که سلاطین بعدی نیز ادامه دهنده‌ی راه او بودند از جمله سیف الدین قلاوون که بعد از بیبرس؛ قدرتمندترین سلطان مصر بود و با ایجاد پیمانهای تجاری با اروپاییان؛ فعالیت‌های



اقتصادی را توسعه داد و به تشویق بازرگانان پرداخت و شرایط رفاهی و اجتماعی ویژه‌ایی برای تاجران فراهم نمود، همچنین در دوران ملک ناصر محمد بن قلاوون نیز به دلیل طولانی بودن دوران حکمرانی اش و با انجام فعالیت‌های عمرانی و توسعه‌ی مراودات تجاری و سیاسی رفت و آمد سفرای خارجی به مصر گسترش یافت و شکوفایی اقتصادی مصر موجب محبوبیتش در میان مردم گردید (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۲۳۱ و گابریل، ۱۳۸۱: ۲۶۵).

از آنجایی که سلاطین اولیه بنیانگذار و تداوم بخش پایه‌های ساختار سیاسی و اقتصادی ممالیک بحری بودند سلاطین دیگری که روی کار می‌آمدند با انجام سیاست‌های مدون و سازمان یافته توانستند مصر را در شرایط مناسب و متعادل اقتصادی نگه دارند از جمله سلطان حسام الدین لاچین در دوران دو ساله‌ی حاکمیتش به دلیل رسیدگی به اوضاع رفاهی مصر و اجرای عدالت عمومی؛ ممالیک در رفاه اجتماعی بودند و هیچ‌گونه بحران اقتصادی بوجود نیامد (سبکی، ۲۶۵: ۱۹۸۴ و مقریزی، ۱۹۳۹: ۳۶۵)، همچنین در دوران ملک کامل شعبان در زمان بروز قحطی با گردآوری فقیران و تقسیم آنان در میان ثروتمندان و بازرگان تلاش می‌کرد که بحران‌های اجتماعی را به حداقل برساند و ملک صلاح الدین صالح نیز فردی مذهبی و خوش رفتار بود و در زمان ملک اشرف شعبان برخلاف حملات دریایی به قبرس و اسکندریه در دوران چهارده ساله‌ی حکومتش مصر در صلح و آرامش بود (باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۲۴)، و این امر نشان دهنده‌ی این است که سلاطین بحری با وجود بحران‌های اقتصادی که بوجود می‌آمد توانستند پیامدهای آن را به حداقل برسانند و از شدت یافتن آن جلوگیری کنند و همین نکته یکی از تفاوت‌های اساسی آن‌ها در مقایسه با ممالیک بری می‌باشد.

در دوران ممالیک بری نیز اولین سلطان یعنی ملک ظاهر سیف الدین برقوق به برقراری مناسبات سیاسی و تجاری با اروپاییان و مرادده‌ی با سفرای خارجی پرداخت و با کاهش مالیات‌ها و انجام کارهای عام المنفعه و داشتن صاحب منصبان حرفه ای‌ای در دربار پایه‌های حکومت ممالیک بری را استحکام بخشید (باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۶۵ و لاروس، ۱۳۷۸: ۲۶۵)، در دوران‌های بعدی نیز در زمان سیف الدین طُطر به دلیل کار آمدی سلطان و حمایت از مردم و حکومت؛ مصر از اقتصادی شکوفا برخوردار بود، همچنین در دوران اشرف برسبای به دلیل تساهل سلطان در امر حکومت داری و انجام فعالیت‌های اقتصادی توانست قبرس را آزاد کند و به مرادده‌ی با سفرای خارجی از جمله شاهرخ تیموری پردازد (کاشانی، ۱۳۴۸: ۲۱۵). بطوریکه در دوران هفده ساله‌ی حکومتش مصریان در صلح و امنیت به سر می‌بردند، یوسف بن برسبای نیز با وجود مشکلات خارجی با شاهرخ تیموری و اسکندر قرايوسف به احیای دوباره‌ی تجارت پرداخت؛ همچنین در دوران جقماق علانی نیز مراودات تجاری با



شاهرخ ادامه داشت، در واقع او اولین سلطانی بود که در هیچ جنگی حضور نداشت از سوی دیگر او فردی تجمل‌گرا و پر هزینه بود اما در دوران پنج ساله‌ی حکومتش مصر از ثبات و پایداری خاصی برخوردار بود؛ از آنجایی که او فردی مسن بود تا حدودی با کفایت؛ و سازمان اداری که داشت توانست دورانی از رفاه اقتصادی را برای مصریان بوجود بیاورد (نظامی نیشابوری، ۱۳۷۸: ۴۱۲ و سبکی، ۱۹۸۴: ۳۲۱).

در دوران یازده ساله‌ی حاکمیت اشرف اینال نیز سفیرانی از سوی محمد دوم عثمانی به دربار مصر آمدند و با حمایت از دیوانسالاری و نظام اداری و اصلاح وضعیت پول؛ اوضاع اقتصادی مصر شکوفا بود بطوریکه حتی گروهی از هیئت‌های نمایندگی کشورهای رقیب از جمله قبرس و قاهره به مصر آمدند (رشیدالدین، ۱۳۸۸: ۳۲۱ و لوسی، ۱۳۸۹: ۳۷۸)، و این نیز یکی از ویژگی‌های مشترک در همگرایی ممالیک بحری و بری در زمینه‌ی برقراری مناسبات اقتصادی می‌باشد؛ اما بتدرج تجارت افول یافت زیرا که سلطان با تجمل‌گرایی و بی‌توجهی به سازمان اداری موجب برهم خوردن شرایط منظم قبلی شد بطوریکه در دوران‌های بعد نیز از جمله دوران مؤید احمد بن اینال و ملک ظاهر خوش قدم با خالی شدن خزانه‌ی سلطنتی و اعطای تیول به امرا باعث ایجاد تزلزل در ساختار حکومتی شد و موقعیت اقتصادی دربار به سستی گرایید (ابن العبری، ۱۳۸۲: ۳۶۵ و شیبانی، ۱۳۴۵: ۲۴۵).

در عصر ممالیک بری جز برخی از مواقع محدود؛ قیمت‌ها بالا رفت و قدرت خرید کاهش یافت و هر یک از امیران سعی داشت تا موقعیت خود را مستحکم و ثروت بیشتری به دست بیاورد و کمتر به سازمان‌دهی نظام پولی توجه می‌کردند و سلاطین و امیران بزرگ به سیاست احتکار کالاهای شرقی به‌ویژه بخور، ادویه و چاشنی پرداختند (ابن کثیر، ۱۹۸۸۷: ۳۵۴ و ابن تغری بردی، ۱۳۸۳: ۲۴۵)، و در سال (۸۲۸ هـ. ق/ ۱۴۲۴ م) تجارت آن را از بندر عدن در یمن به بندر جدّه (زیر نفوذ مستقیم خودشان بود) انتقال دادند؛ در واقع با از بین رفتن نظام اقطاعی و انحطاط صناعت به طمع دستیابی به دارایی بیشتر از راه‌های مختلف ناچار شدند؛ از این رو با در پیش گرفتن سیاست احتکار؛ تجارت را به‌عنوان راهی برای جبران ضعف اقتصادی خود انتخاب کردند از این رو مالیات عبور و مرور را به مالیات‌هایی افزودند که بر روی کالاهای صادراتی و وارداتی بسته می‌شد و در مراکز گمرکی پراکنده؛ در بنادر مختلف پرداخت می‌شد (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۸۵ و بارتولد، ۲۵۴: بی تا).

از اقدامات اقتصادی این دوران که منجر به بروز قحطی و برهم خوردن اوضاع اقتصادی مصر شد؛ سیاست احتکار بود که از دوران اشرف برسبای آغاز شده بود که جانشینان بعدی بر سبای از جمله سلطان خوش قدم (۸۶۵-۸۷۲



هـ/۱۴۶۱-۱۴۶۷ م.) و سلطان قایتبای (۹۰۱، ۸۷۳ هـ./۱۴۹۵، ۱۴۶۸ م) نیز دنبال کردند (قلقشندی، ۱۹۳۹: ۳۴۵ و باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۵۶).

از دیگر دشواری‌های اقتصادی مصر می‌توان به دوران بر سبای اشاره نمود که به دلیل برخوردهای دریایی با دزدان دریایی مدیترانه در قبرس و برخورد با ترکمن‌های آق قویونلو در مناطق شمالی هزینه‌های سنگینی برای دولت به وجود می‌آورد که به‌ناچار بر اقتصاد داخلی فشار وارد می‌شد. از مناسبات دیگر برسبای؛ روابط او با عثمانیان و شاهرخ تیموری می‌باشد که به‌تدریج موضع او نسبت به آن‌ها تغییر می‌کرد (انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۲۳۵ و رضوی، ۱۳۹۰: ۲۳۶)، همچنین سیاست‌های احتکار شکر و غلات نیز بر روند افول اقتصادی و وقوع بحران‌های قحطی و فقر اجتماعی می‌افزود. در زمان قایتبای تنزل اقتصادی حکومت افزایش یافته بود؛ هرچند تلاش دولت با گرفتن عوارض و مالیات‌های شدید مانند مالیات سرانه سال (۸۹۵ هـ./۱۴۹۰ م) و تنزیل ارزش پول و بهره‌کشی بی‌رحمانه و بی‌اثر از طبقه‌ی بازرگانان جهت آرام کردن اوضاع بی‌نتیجه بود؛ همچنین در زمان سلطان غانصوری غوری در سال (۹۰۶-۹۲۲ هـ./۱۵۰۰-۱۵۱۶ م.) مصر با مسئله‌ی وخیم افول تجارت و عایدات بازرگانی روبه‌رو شد (لمبتون، ۱۳۷۸: ۳۱۲)، از این رو هم‌زمان با نابسامانی اوضاع اقتصادی؛ نظم اجتماعی، نظامی و سیاسی حکومت ممالیک نیز دچار ضعف و سستی شد، به گونه‌هایی که در برابر ضربات دشمنان توان مقاومت را نداشتند. در دوران ممالیک بحری رابطه میان مردم و حکومت به گونه‌هایی بود که اکثر سلاطین به محض مشاهده یک بحران؛ انبارهای سلطانی را گشوده غلات و نان را در میان نیازمندان تقسیم می‌کردند حتی بازرگانان و ثروتمندان هم موظف بودند این کار را انجام دهند. در واقع ارتباط مردم مصر با ممالیک به وضع معیشتی آن‌ها ارتباط داشت اگر بحران اقتصادی شدید بود و قیمت‌ها افزایش می‌یافت مردم از حکومت جانب‌داری نمی‌کردند: مانند زمان زین‌الدین کتبوغا یازدهمین سلطان مملوکی ممالیک بحری و در زمان ناصرالدین شعبان در سال (۷۶۴) به دلیل حمایت مردم در هنگام قحطی و گرسنگی و به هنگام شورش غلامان جلیان علیه او؛ طبقه‌ی عوام در کنار او ایستادند و جنگیدند (ابن اثیر، ۱۹۸۷: ۳۶۵ و ناصری طاهری، ۱۳۷۵: ۱۹۹)، بیبرس بندقداری در سال (۶۲۲) قبل از آنکه بحران قحطی شدید شود دستور داد مردم عادی را سرشماری کنند و امیران آنان را اطعام نمایند. حسام‌الدین لاجین هم با مردم همدردی می‌کرد و اموال یتیمان را از دست امیران خارج ساخت و در اختیار صاحبانشان قرارداد، منصور قلاوون به خاطر شکوفایی اقتصادی و آسودگی مردم و محمد بن قلاوون به خاطر فعالیت‌های اقتصادی‌اش



مورد توجه و احترام مردم بودند (مقریزی، ۱۹۳۹: ۲۶۵)، در دوران ناصرالدین شعبان در زمان قحطی امیران را جمع کرد و گفت به فقیران کمک کنند.

در حالی که در زمان ممالیک بری بزرگان و رجال دولت غلات را در وقت ارزانی خریده و ذخیره می‌کردند و در زمان گرانی و قحطی آن را چند برابر به بازار عرضه می‌کردند (نویری، ۱۹۸۴: ۲۴۵)، کارگزاران دولت مانند محتسبین در وقت بحران استعفا می‌دادند زیرا گرانی و کمبود آذوقه و نان و ناتوانی کاری در رفع بحران؛ آنان را مجبور به استعفا می‌کرد یا سلطان آنان را عزل می‌کرد. ملک ظاهر بلبای مویدی سلطان ممالیک بری به شکایت مردم توجهی نداشت و در سال (۸۷۲) وقتی گرانی شدید شد مردم به سلطان پناه بردند اما او توجهی نکرد، در سال (۸۳۹) مردم جلوی اشرف بر سبای رفتند تا به آنان کمک کند ولی او وقعی ننهاد؛ بعضی مواقع بحران اقتصادی را عذاب خداوند می‌دانستند و عامل آن را فسق و فجور مردم و حکام بشمار آوردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۲۵).

بنابر این می‌توان گفت که شرایط اقتصادی مصر در هر دوران ممالیک بحری و بری شکوفا بود و مصر به‌عنوان مرکز مبادلات شرق دور و غرب بشمار می‌رفت و ممالیک به‌عنوان دولتی واسطه‌گر بودند که با توجه به موقعیتی که در بنادر تجاری و لنگرگاه‌ها و مسیرهای ترانزیتی داشتند همواره در تضاد منافع دول مختلف با یکدیگر این حکومت تنها عامل امتیاز بخش به قدرت‌های موجود در منطقه بود و زمانی که با دولتی متحد می‌شد جایگاه تجاری آن دوچندان رشد می‌کرد که در این مورد ممالیک بحری به‌خوبی عمل کردند، در حالی که ممالیک بری هرچند در ابتدا در زمان برخی از سلاطین قدرتمند این جایگاه تجاری را حفظ کردند اما در دوره‌های بعد از نگهداری آن عاجز ماندند بطوریکه در دوران ناصر فرج بن برقوق ناوگان جنوبی‌ها به بیروت حمله برد؛ این موضوع نشان‌دهنده‌ی این است که برخلاف دوران بحری‌ها که جنوبی‌ها یکی از متحدان اصلی مصر بشمار می‌رفتند در دوران ممالیک بری به تدریج روابطشان با مصر به سردی گرایید و به رقیبی جدی و سرسخت با ممالیک تبدیل شدند.

### بررسی ساختار فرهنگی ممالیک بحری و بری

یکی از تأثیرات فرهنگی و اجتماعی تجارت برده در مصر؛ ورود نژادهای مختلف بردگان و شکل‌گیری جامعه چند نژادی در میان آن‌هاست. دو نژاد غالب بردگان؛ ترک و چرکس بودند که طی یک تحول مهم در روند تجارت و خرید برده از دشت قپچاق ترکیب نژادی سلطنت ممالیک نیز دچار دگرگونی شد و این تحول از آنجا شروع شد که در دوران ممالیک بحری بر اثر حجم فراوان خرید بردگان از دشت قپچاق؛ این منطقه با کاهش جمعیت مواجه



گردید؛ زیرا سیستم یک نسلی که معمولاً تنها قشر خاصی از بردگان بالاخص دختران و پسران جوان را در خود جای می‌داد و همواره بر اساس این اصول جامعه‌ی ممالیک ایجاب می‌کرد که همواره بردگان نوجوان اعم از دختر و پسر که هنوز به سن ازدواج نرسیده بودند؛ خریداری شوند و این امر به کاهش شدید تجارت برده در این منطقه مؤثر بود (ابن تغری بردی، ۱۹۶۳: ۳۲۵ و ابن فرات، ۱۹۳۶: ۴۲۱)؛ از سوی دیگر در دوران ممالیک بحری به دلیل وجود سیستم «یک نسلی یا سیستم بردگی» زمینه برای خرید و فروش بردگان بیشتر فراهم بود؛ زیرا بردگانی که به خدمت نظامی گرفته می‌شدند باید از سلسله مراتب هرم قدرت بالا می‌رفتند و نمی‌توانستند فرزندانشان را به جای خود بگذارند؛ از این رو برای حفظ قدرت نظامی دولت ممالیک، باید به طور مداوم بردگان جوان‌تر از دشت قیچاق خریداری می‌شدند به عبارتی دیگر جامعه‌ی مملوک یک جامعه‌ی در حال نو شدن دائمی بود که به وسیله‌ی ورود مستمر بردگان جوان همواره ذخیره‌سازی می‌شد، البته تعداد زیادی از فرزندان بردگان پیشین معروف به «اولاد الناس» در واحدهای فرعی ارتش مملوکان خدمت می‌کردند؛ ایده‌ای که در پشت این اصل قرار داشت؛ معتقد بود که فرزندان بردگان سابق همان ویژگی‌ها و کیفیات نظامی پدرانشان را ندارند و فاقد توانمندی‌های آنها هستند (جاحظ، ۳۲۵: بی.تا و لوکاس، ۱۳۷۶: ۲۶۴)، در واقع سیستم «یک نسلی یا بردگی» موجب وابستگی بردگان به سلطان و مریبان نظامی آنها می‌گردید، بردگان خریداری‌شده در سربازخانه‌های مصر علاوه بر تعلیم نظامی یا «فنون الحرب» احکام دین می‌آموختند و این یکی از اهداف مهم مراکز آموزشی مملوکان بود. بنا بر این دولت ممالیک راه حل را در جایگزینی بازار خرید بردگان دید از آن پس خرید بردگان چرکس بجای قیچاق‌ها آغاز شد و سیل ورود آنها به مصر موجب تحولات اجتماعی، سیاسی و نظامی در قلمرو ممالیک گردید (امامی خوفی، ۱۳۸۵: ۳۵۶ و عماد زاده اصفهانی، ۳۲۱: بی.تا).

المنصور قلاوون در سال (۶۷۸ هـ.ق/۱۲۷۹ م.) با استخدام چرکس‌ها؛ واحد نظامی مملوکان چرکسی را تأسیس کرد که نخستین نشانه از تهدید مملوکان قیچاقی و رقابت و درگیری در ارتش ممالیک بشمار می‌آمد؛ بدین ترتیب جامعه‌ی چند نژادی شکل گرفت که در آن ازدواج بردگان تحت قوانین و قواعدی انجام می‌شد؛ بطوریکه بردگان مرد با دختران برده‌ی هم‌نژاد خود یا دختران مملوکان دیگر ازدواج می‌کردند، ازدواج میان امیران مملوک و دختران مصری به‌ویژه دختران مقامات بالا یا تاجران و علما؛ بسیار نادر بود. این مسئله خود موجب افزایش تجارت برده و ورود تعداد فراوانی از سرزمین‌های دیگر شده بود (سبکی، ۱۹۸۴: ۲۵۴)؛ از سوی دیگر ازدواج درون‌گروهی بردگان از یک‌سو و زبان ترکی آنها که با وجود زندگی در جامعه‌ی عربی مصر از دانش عربی نازلی برخوردار بودند موجب





شده بود که همواره در مواقع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی به نیروهای بالقوه‌ای برای نا امنی تبدیل شوند. شورش‌های عمومی در قاهره به غارت و کمبود مواد غذایی می‌انجامید و به طور طبیعی بردگان نیز وارد کارزار می‌شدند؛ چنان‌که فتنه‌ی اسکندریه در سال (۷۲۶ ه.ق/ ۱۳۲۵ م.) در زمان ممالیک بحری در اثر اختلافات تجار فرنگی و مسلمان مصر درگرفت و کشتار فراوانی به همراه داشت (عینی، ۱۴۰۷: ۲۴۵ و ابن عباد، ۱۴۰۶: ۲۶۱).

### مقایسه‌ی ساختار فرهنگی ممالیک بحری و بری

در مقایسه‌ی میان ممالیک بحری و بری از لحاظ فرهنگی یکی از شباهت‌هایی که میان آن‌ها وجود داشت؛ ساختار نژادی آن‌ها بود که هر دو گروه برخاسته از استپ‌های روسیه و دشت قپچاق بودند و موقعیتشان به گونه‌ای بود که همواره از یک طبقه‌ی اجتماعی برخاسته بودند یعنی برده بودن آن‌ها و این موضوع در تحقق شرایط فرهنگی و اشتراک در ویژگی‌های آداب و رسوم و زبان؛ فرهنگ یکپارچه‌ای میان آن‌ها به وجود آورده بود و از لحاظ طبقات اجتماعی در میان هر دو گروه تضادی وجود نداشت هرچند در پاره‌ای از موارد به دلیل تفاوت سرزمین‌ها و مناطقی که آن‌ها را وارد مصر می‌کردند ممکن بود تفاوت زبانی، نژادی و دینی و مذهبی داشته باشند اما با ورود به مصر پس از گذراندن دوره‌های آموزشی معمولاً آن‌ها را بر اساس اصول و قوانین سیستم حکومتی تربیت می‌کردند که این امر تفاوت‌ها را به حداقل می‌رساند.

از سوی دیگر از لحاظ تفاوت‌های نژادی و فرهنگی می‌توان گفت که این امر نکته‌ای بسیار حساس و مهم در تاریخ ممالیک مصر بوده است زیرا در مواقعی که سیستم حکومتی دچار تغییر و تحولات ناشی از اقدامات جانشینی می‌شد افراد و نیروها بر اساس طرفداری از فرد و حاکمی خاص ممکن بود که وارد عمل شوند و به دفاع و یا مقابله با گروهی دیگر جهت بر تخت نشاندن شخصی خاص اقدام کنند، همچنین در هنگام ضعف سیاسی حکومت در زمان توطئه‌های داخلی و یا خارجی لغزشی در میان سپاهیان به وجود می‌آمد که دلیل آن تعصبات ناشی از خاستگاه اجتماعی آن‌ها بوده است این امر در زمان ممالیک بری بیشتر نمایان هست زیرا در زمان قحطی و دودستگی‌های سیاسی هرکدام از نیروها و صاحب منصبان حکومتی نسبت به افراد و جامعه‌ی مصری ظلم و ستم روا می‌داشتند.



### بررسی و مقایسه‌ی روابط خارجی ممالیک بحری و بری

در زمینه‌ی روابط خارجی و مقایسه‌ی مناسبات اقتصادی ممالیک می‌توان گفت که ممالیک بحری اهمیت راه دریای سرخ را درک کردند؛ از این رو ممالیک از راه واگذاری تسهیلات و بستن قراردادهای تجاری گام مهمی جهت ترغیب تجارت برداشتند که به موجب آن بیگانگان حق ایجاد کنسولگری و مهاجرنشین‌های دائمی را در بنادر و لنگرگاه‌ها به دست آوردند (ابن شاهین، ۱۸۹۴: ۲۱۴ و شبارو، ۱۳۸۰: ۱۵۴)، بطوریکه بیبرس نیروی دریایی ایجاد کرد و به ساخت کشتی در قاهره، فسطاط، جزیره‌ی رود نیل، اسکندریه و دمیاط پرداخت و در تهیه‌ی چوب کشتی نظارت داشت و در زمان کمبود چوب از آسیای صغیر و ایتالیا چوب وارد می‌کردند؛ بطوریکه ۵۰ کشتی در زمان او ساخته شد و ممالیک در قبرس و رودس به نبرد دریایی با پرتغالی‌ها در سواحل هند غربی پرداختند؛ اما ممالیک بری استفاده از نیروی دریایی را برای تجارت کالاهای تجملاتی با هندوستان در پیش گرفته بودند و فعالیت‌هایشان جنبه‌ی خصوصی داشت و جهت تجملات درباری انجام می‌شد (ابن تغری بردی، ۱۹۶۳: ۲۴۵ و ابن عبدالظاهر، ۱۹۷۶: ۳۵۴ و باگت گلاب، ۱۳۸۶: ۳۶۵)، که این امر باعث افول روند تجارت شد و به ساختار اقتصادی حکومت لطمه‌ی شدیدی وارد نمود؛ از این رو توجه نکردن به نیروی دریایی باعث شد که ممالیک بری در انجام فعالیت‌های دریایی ضعیف شوند بطوریکه در سال (۱۵۱۰ تا ۱۵۱۶ م) با زیادشدن خطر پرتغالی‌ها در دریای سرخ و اقیانوس هند؛ ممالیک به بردگان سیاه تکیه کردند و در برابر پرتغالی‌ها و عثمانیان نابود شدند (سبکی، ۱۹۸۴: ۲۱۵ و لین پل، ۱۹۶۹: ۲۵۴).

از سوی دیگر در زمینه‌ی مناسبات تجاری ممالیک با اروپاییان؛ سیاست ممالیک بحری در مقابله با مسیحیان با توسعه‌ی روابط اقتصادی و سیاسی با روم شرقی و اروپا همراه بوده است بطوریکه با برافتادن آخرین قدرت فرانکی در سوریه و فلسطین؛ ممالیک به قبرس و ارمنستان حمله بردند اما هیچ کدام از این وقایع لطمه‌ایی در روند مناسبات تجاری طرفین وارد نکرد (گابریل، ۱۳۸۱: ۲۴۵ و سجادی، ۱۳۷۵: ۲۴۵)، در واقع ممالیک بحری تلاش می‌کردند بر هر دو کرانه‌ی دریای سرخ در نوبه و حجاز و یمن مسلط شوند و تجارت دریایی را با جنوب و مشرق آسیا گسترش دادند (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۵۲) و با ایجاد اتحاد با اردوی زرین و ونیز و جنوا و همچنین بیزانس به مقابله‌ی با ایلخانان پرداختند (حتی، ۱۳۸۲: ۳۲۵ و امامی خوئی، ۱۳۸۵: ۵۴۲).

یکی از اشتراکات میان ممالیک بحری و بری این بود که هر دو گروه ممالیک بحری و بری مناسبات و قرار دادهای تجاری با همسایگان‌شان منعقد کرده بودند و به امر تجارت اهمیت می‌دادند و با دولت‌شهرهای ونیز و جنوا و



بیزانس و اردوی زرین روابطی دوستانه برقرار کرده بودند که ممالیک بحری با جدیت این کار را دنبال کردند؛ در حالی که ممالیک بری با اجرا سیاست احتکار به انحصاری کردن امتیازات تجاری هم در داخل و هم در ارتباط با دولت‌های خارجی پرداختند.

مالیک بحری بیشتر در زمینه‌ی توسعه دریایی موفقیت‌هایی کسب نمودند و موفق‌تر بودند زیرا مسئله‌ی تجارت یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه‌ی اقتصادی مصر بشمار می‌رفت و ممالیک بحری به این امر اشراف کامل داشتند و همواره به آن رسیدگی می‌کردند زیرا موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای که داشتند همواره به عنوان حکومتی واسطه‌گر رابط تجارت دریایی میان شرق دور و غرب بودند و حکومت‌های درگیر مناسبات دریایی برای انجام مبادلات تجاری‌شان به‌ناچار به ایجاد و حفظ روابط دوستانه‌ی با مصر و ممالیک می‌پرداختند زیرا که نیاز شدید شرق و غرب برای فروش کالاها و تأمین نیازهای ضروری‌شان امری بدیهی و بالضروره بود هرچند در این راه دشمنان داخلی و خارجی وجود داشت از جمله ایلخانان ایران و رقبای اروپایی و پرتغالی‌ها که همیشه در تلاش بودند که این موقعیت بالقوه را از مصریان برابند اما هر دو دولت ممالک بحری و بری جهت حفظ بنادر دریایی و کرانه‌های دریای سرخ و دریای مدیترانه به ایجاد نیروهای دفاعی و استحکاماتی همت گماشتند: مانند آنچه بیبرس و برسبای در دریای سرخ و دریای مدیترانه و قبرس برای مقابله با مغولان و مسیحیان اروپایی تأسیس نمودند که این امر دلیلی روشن بر اهمیت تجارت دریای و توسعه‌ی اقتصادی بوده است هرچند در اواخر دوران ممالیک بری بی‌توجهی سلاطین ضعیف موجب بروز ضعف و اضمحلال حکومت گردید و موقعیت اقتصادی‌شان را در دریای مدیترانه و دریایی سرخ از دست دادند.

### نتیجه‌گیری

ارکان حکومتی ممالیک بحری و بری از نظر ساختار سیاسی، اقتصادی و مراودات تجاری دچار فراز و فرودهای فراوانی شد؛ به گونه‌ای که در شکوفایی و یا ایستایی قدرت آن‌ها به نحوی سابقه‌ای اثر گذار بود؛ زیرا سلطنت در میان ممالیک بحری عموماً ارثی بود؛ اما ترتیب جانشینی در میان سلاطین بری براساس روش قدیمی شیخوخیت و ارشدیت وجود داشت. از نظر نژادی ممالیک بحری عمدتاً از قبایل قپچاق جنوب روسیه بودند که با مغولان و کردان اختلاط پیدا کرده بودند، اما ممالیک بری بیشتر از چرکس‌های قفقاز بودند که این منطقه تا پایان قرن نوزدهم میلادی؛ بیشتر قدرت نظامی آن‌ها را تأمین می‌کرد. برخلاف نظریات برخی از منابع که ممالیک نتوانستند بیش از



دو سه نسل خود را بر سر پا نگهدارند؛ به نظر می‌رسد که سلسله‌ی ممالیک به خوبی بسط و گسترش یافته‌اند، اما نسل‌های بعدی دیگر دنبال اشتغالات نظامی نرفته‌اند و ناچار به تأمین قوا از جایی دیگر می‌پرداخته‌اند.

با مقایسه‌ی میان ممالیک بحری و بری از لحاظ ساختار سیاسی می‌توان گفت که ممالیک بحری جنگجو بودند و توانستند مدیترانه و اروپا را در برابر تهاجمات مغولان حفظ کنند، همچنین سوریه و مصر را از ایوبیان باز پس بگیرند، از ویژگی‌های سیاسی این دوران می‌توان گفت که ممالیک اجازه دادند تا شهروندان، مردم و ساکنان این مناطق (قاهره و مصر) به طور کلی تحت کنترل و نظارت خودشان باشند و در امور دیوانی و سازمان اداری آنان مداخله نمی‌کردند، رفتار آنان در برخورد با مصریان و سوریان به گونه‌ای بود که به بومیان اجازه دادند تا در پست‌های نظارت‌کننده‌ی خدمات کشوری باقی بمانند و سیستم‌های قضایی را اجرا و مراقبت کنند و این امر موجب تشویق و گسترش تجارت، صنعت و کشاورزی شد و موجب تجمع ثروت و تیول در مقرر حکومتی و افزایش اعطای خلعت‌های افتخاری و رفاهی گردید؛ در حالی که ممالیک بری (چرکسی) درشت‌خو و بی‌رحم بودند و به ممالیک سلطنتی تکیه داشتند و در این سیستم ۲۷۵ ساله‌ی ممالیک بدون وجود حکومت اشرافی موروثی باقی‌مانده از ثروت و قدرت؛ هیچ امیری ثروت و قدرت را به دیگران انتقال نداد (انتقال نسل) زیرا با مرگ یک سلطان ثروت و تیول او میان امیران نظامی تقسیم می‌شد، از سوی دیگر در این دوران غیر از مدت کوتاهی درگیری با تیمور لنگ خطرات خارجی دیگری وجود نداشت و سلاطین جنگ‌های سختی را دنبال نکرده بودند و این یکی از عوامل و تضادهای حکومتی ممالیک بری و بحری می‌باشد و باعث واگرایی آن‌ها از یکدیگر شده است.

در زمینه‌ی مسائل اقتصادی می‌توان گفت که در دوران ممالیک بحری با روی کار آمدن افراد ماهر و با تجربه؛ مناسبات اقتصادی و سیاسی مهمی با دول همسایه برقرار می‌شد، در حالی که در زمان ممالیک بری عزل و نسب‌های سریع خردسالان وجود داشت و نبود نظم و قانون در امر جانشینی و دخالت نایب‌السلطنه‌ها در امر حکومت داری؛ وضع موجود را متشنج می‌کرد و هرج و مرج و نابسامانی سیاسی نظامی را به دنبال داشت، در واقع ممالیک بری نتوانستند از موقعیت‌های مناسبی که برای مراودات با دول دیگر به وجود می‌آمد به درستی استفاده کنند و این امر که یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی حکومت بشمار می‌رفت به عنوان یک موضوع مخرب تبدیل شد و موجب اضمحلال سیاسی و به دنبال آن اضمحلال اقتصادی را به وجود آورد؛ به گونه‌ای که یکی از تفاوت‌های مهم و اساسی که باعث فروپاشی قدرت ممالیک بری شد بی‌توجهی سلاطین ضعیفی بود که در دوران پایانی



ممالیک بری روی کار آمدند و بتدریج روابط سیاسی شان با همسایگان به دشمنی تبدیل شد و قراردادهای تجاری را منسوخ کردند.

علت اصلی این رکود سیاسی و اقتصادی نادیده گرفتن اصول اداری و سازمان سیاسی بود که سلاطین قبلی دنبال کردند و با مدیریت درست و کار آمد توانستند مصر را به مانند دوران ممالیک بحری در عرصه‌ی سیاسی و اقتدار اقتصادی در برابر با سایر قدرت‌های منطق‌هایی حفظ کنند؛ حال آنکه سلاطین آخر ممالیک بری از این ویژگی‌ها تهی بودند و همین امر موجب اضمحلال سیاسی و اقتصادی آن‌ها شد؛ در واقع ضعف قدرت اقتصادی ممالیک بری باعث شد که در زمینه‌ی مسائل داخلی حکومت ناتوان بمانند و بجای رسیدگی به اوضاع و برطرف کردن نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برعکس بر وخیم شدن اوضاع افزودند و مصر را به نابودی کشاندند زیرا که سخت‌گیری‌های مالی بر مردم و دولتمردان از یک طرف موقعیت سیاسی حکام را در برابر توطئه‌های داخلی به خطر انداخت و از سوی دیگر زمینه را برای ظهور اروپاییان در دریای سرخ و دریای مدیترانه فراهم کرد و موجب شد که قدرت دریایی خود را تثبیت کنند و تجارت بر دریاها را به دست بگیرند و سرانجام با حملات عثمانی‌ها به مصر به عمر دولت دوم ممالیک بری پایان داده شد.

#### منابع

- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن (۱۴۰۷، ۱۹۸۷ ش). *الکامل فی التاریخ*، تصحیح محمد یوسف دقاق، المجلد الثانی العشر، دارالکتاب العلمیة، بیروت.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن ابو یوسف (۱۹۶۳ م، ۱۳۸۳ ش). *النجوم الظاهرة فی الملوک مصر و القاهرة، الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة العصریه العامه، قاهره.*
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد (۱۳۵۷). *نخبة الدهر فی العجایب آلبر و البحر*، ترجمه حمید طیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر تهران.
- ابوالفداء، الحافظ بن کثیر الدمشقی (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن الفرات، الناصر الدین محمد بن عبدالرحیم (۱۹۳۶). *تاریخ ابن الفرات*، المجلد السابع، الدتور قسطنطین زریق، بیروت: المطبعة الامیر کانیة.



ابن اجاه، محمد بن محمود حلبی (۱۹۸۶). العراق بين الممالیک و العثمانین الاتراک، مطبعة محمد احمد دهقان، دمشق: دارالفکر.

ابن واصل، جمال الدین (۱۹۵۳). مفروج الكبير فی اخبار بنی ایوب، تحقیق جمال الدین شیال، قاهره: جامعه فؤاد الاول.

ابن الوردی (۱۹۷۰). تحتہ المختصر فی اخبار البشر، تحقیق احمد رفعت، بیروت.

ابن بطوطه، شمس الدین محمد بن عبدالله (۱۹۸۷ م، ۱۳۵۴ ش). تحفه النظار فی غرائب الامصار و العجایب الاسفار، تحقیق محمد عبدالنعیم عریان و مصطفی قصاص، بیروت: دار الحیاء العلوم.

ابن الفرات، الناصر الدین محمد بن عبدالرحیم (۱۹۳۶). تاریخ ابن الفرات، المجلد السابع، الدتور قسطنطین زریق، بیروت: المطبعة الامیر کانیة

ابن شاهین، خلیل (۱۸۹۴ م). کشف الممالک و بیان الطریق و المسالک، تصحیح بولن راویس پاریس: المطبعة الجمهوریه.

ابن عبری، غریغوریوس ابی الفرج بن هارون المعروف بن العبری (۱۳۶۴). تاریخ المختصر الدول، ترجمه حشمت الله ریاضی و محمد علی تاج پور، تهران: اطلاعات.

ابن عبدالظاهر، محی الدین (۱۹۷۶ م). الروض الزاهره فی سیره الملك الظاهر، تحقیق عبدالعزیز خوتطیر، ریاض.

ابن کثیر، اسماعیل (۱۹۸۷ م، ۱۴۰۷ ش). البدایه و النهایه، به کوشش احمد ابو حامد و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیه.

امامی خوئی، محمدتقی (۱۳۸۵). «تجارت و راههای ارتباطی آنتولی در زمان ایلخانان»، فصلنامه شناخت (نشریه زبان و ادبیات)، ش ۵۲.

اشپولر، برتولد (۱۳۷۴). تاریخ مغولان در ایران، ترجمه دکتر محمود میر آفتاب، تهران: علمی فرهنگی.

ابن عبدالظاهر، محی الدین (۱۹۷۶ م). الروض الزاهره فی سیره الملك الظاهر، تحقیق عبدالعزیز خوتطیر، ریاض.

بارتولد، و. و (بی تا). خلیفه و سلطان، ترجمه سیروس ایزدی، چاپ اول، امیرکبیر.

باگت گلاب، جان (۱۳۸۶). سربازان مزدور سرگذشت ممالیک، ترجمه مهدی گلجان، تهران: امیرکبیر.



- بروکلمان، کارل (۱۳۶۴). *تاریخ ملل و دول اسلامی*، ترجمه هادی جزایری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیگو لوسکایا، نینا ویکتوروونا، آ. یو یاکوبوسکی (۱۳۴۹). *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ میلادی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حتی، فلیپ خوری (۱۳۸۲). *شرق نزدیک در تاریخ*، ترجمه قمر آریان، تهران: علمی فرهنگی، جلد دوم.
- جاحظ، عمر بن بحرین محبوب (بی تا). *التبصره بالتجاره*، بی نا.
- جوزجانی، منهاج السراج (۱۳۶۳). *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- رشیدالدین فضل الله، (۱۳۸۸). *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- رانسیمان، استیو (۱۳۸۶). *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه دنوچهر کاشفتهران: علمی و فرهنگی، چ ۶.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، تهران: امیرکبیر.
- رمزی، م. م (۱۹۰۸). *تلفیق الاخبار و تلخیص الآثار فی وقایع قزان و بلغار و الملوک تار اورنیوغ*، تهران: بی جا.
- ساندرین، میرزا (۱۳۸۴). *به دنبال مارکوپولو*، ترجمه بیتا شمیمی، تهران: ققنوس.
- سبکی، تاج الدین ابو نصر (۱۹۸۴). *معید النعم و مبیید النقم*، بیروت: دارالحدائث للطباعة والنشر.
- شبارو، عصام محمد (۱۳۸۰). *دولت ممالیک و نقش سیاسی تمدنی آن در تاریخ اسلام*، ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شیبانی، عبدالحسین (۱۳۴۵). *تاریخ عمومی قرون وسطی*، ج ۲، تهران: اشراقی.
- صفدی، خلیل بن آیبک (۱۹۹۸). *اعیان المصر و اعوان النصر*، تحقیق علی ابوزید، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- عبادی، احمد مختار (۱۴۰۶ ش. ۱۹۸۶). *قیام دوله الممالیک الاولی فی مصر و الشام*، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- عماد زاده اصفهانی، حسین (بی تا). *تاریخ مفصل اسلام و تاریخ ایران بعد از اسلام*، ج ۱ و ۲، تهران: بی نا.
- عینی، بدرالدین محمود (۱۴۰۷ ش. ۱۹۸۷). *عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان*، تحقیق محمد محمد امین، قاهره: الهیئه المصریه العالمه الکتاب.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۱۳-۱۹۱۹). *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، القاهره: وزراء الثقافه و الارشاد القومی، الموسسه المصریه العالمیه.



کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۴۸). تاریخ الجایتو، به اهتمام مهین سهیلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کندی، محمد یوسف (۱۳۳۵). ولأه مصر، بیروت: دار صادر.

گابریل، آلفونس (۱۳۸۱). مارکوپولو در ایران، ترجمه پرویز رجبی، تهران: اساطیر.

لاروس (۱۳۷۸). تاریخ جهان، روزگار باستان و قرون وسطی، کتاب یکم، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، تهران: سروش.

لسترینج، گی (۱۳۷۳). جغرافیای تاریخی در سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمد عرفان، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

لمبتون، آن. ک. س. و دیگران (۱۳۷۸). تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر.

لوسیوس، برنارد (۱۳۸۹). نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه محمد قائد، تهران: کارنامه.

لوکاس، هنری (۱۳۷۶). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، جلد اول، تهران: کیهان.

لومبارد، موریس (۱۹۷۷). الاسلام فی عظمه الاولى، ترجمه یاسین الحافظ، بیروت: دارالطلیعه.

لین پول، استانیلی (۱۹۶۹). طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب.

متر، آدام (۱۳۶۴). تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.

مقریزی التقی الدین احمد بن علی (۱۹۳۹ م). کتاب السلوک لمعرفة الدول المملوک، ناشر محمد مصطفی زیاده، مطبعه لجنه التألیف و الترجمة و النشر، القاهرة: دارالکتب المصریه.

\_\_\_\_\_ (۱۲۷۰ هـ/ ۱۴۱۸ م). المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.

مقدسی، ابو عبدالله محمد ابن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۸۵). مسائل عصر ایلخانان، تهران: دانشگاه تبریز.

ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز اسلام تا ظهور عثمانی‌ها، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نظامی نیشابوری، تاج‌الدین حسن (۱۳۷۸). تاج المأثر، تصحیح امیر حسن عابدی، دهلی: مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.



نویری، شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب (۱۹۸۴). *نهایه‌ الارب فی فنون الادب*، الجزء ۲۹، القاہرہ: دارالکتب المصریۃ.

ویلتس، دوراکہ (۱۳۵۳). *سفیران پاپ در دربار خان مغول*، ترجمہ مسعود رجب نیا، تہران: خوارزمی.

